

تا درین موسم بود حجاج را قصد سوی کعبه و بطحای او
روزگار او سراسر عید باد و ندر او قربان شده اعدای او

نقل از یک جنک کهنه

نظامی علیه الرحمه

زخاری حذرکن که ان نشتر است ز موری پرهیز کان صفدر است
مرنجان دل خسته پشه ای که ازهر دلی سوی حضرت در است

منصور حلاج

بکفر و باسلام یکسان نگر که هر یک ز دیوان او دفتر است
خرابات را نیز عزت بدار که انهم درین ممالکت کشور است

(مکتوب نادری)

جناب وزارت ماب جلالت نصاب ابته و وحشمت انتساب فخامت و شہامت التساب
بوزر جمہر قدر ارطو القاب دستور اکرم و صدر افخر و مشیر مکرم نظام
الدوله العلیه العثمانیه قوام السلطنه البہیۃ القانیہ عالی باشای وزیر اعظم ادام الله
اجلاله را بعد از ابلاغ دعای مشفقانه عز انہاء انکہ نامہ مشکین ختامہ ہمایون کہ از طرف
قرین الشرف عالی حضرت پادشاہ ظل الله و خلیفہ اسلام پناه باین دربار خلافت مدار
ارسال شدہ بود باخلاصنامہ کہ ان والاشان بعالیجاه اخ اعز کاہکار ابراہیم خان
حاضر نوشتہ بودند در حینی کہ این نیازمند درکادالہ ازارض مینونشان شرف
اندوز بلیقیسی بساط گردون سماط عالی حضرت قدر قدرت ظل الہی ولی النعمی شاہ بابام
خالد الله مالکہ گشتہ و بوکات دوات علیہ نادریہ سرافراز بود بمنظر نظر اکسیر اثر اقدس
رسید شرحی کہ مشعر براعتدار نسبت بہ ترتب شدن فایده برآمد و رفت ایشان از

ارسال علما نگارش یافته و اعلان شده بود که در ابتدای اسلام اختلاف در فروع بهمرسیده بعد از آن در اصول واقع و ملوک از زمان در اصول اتحاد و در فروع مذاهب اربعه را اختیار کردند لیکن در مصالحت تصدیق و قبول مذاهب شرط مدار نشده بود. عالیجاها بنحویکه در نامه همایون عز اندراج یسافته از انجا همت فلک پیوند حضرتین مصروف باصلاح حال اهل اسلام و ارقاد فتنه از میان قرق امت سید الانام میباشد شکر اینمو هبت که اعظم عطایای ایزدی است بر ذمت خاص و عام لازم است و الحق ضمیر حقانیت سرشت جمجهای خزانه وحی الهی و منبع الهامات غیر منتهایی بوده که چون بندگان اشرف اقدس محاکمه این محاکمات را به تمیز انصاف آن خدیو عدل گستره محول ساخته بودند حق محض بزبان قلم صدق شیر جاری گشته آنچه نوشته اند مؤید و مقوی قول و ادعای عالیحضرت ولی النعمی است. بحمدالله آن عالیجاه و علمای دیندار خدا آگاه که در دوات علیه عثمانیه میباشد بکمال کماست و قطانت اشتهار دارند و معلوم و مفهوم دور و نزدیک خواهد بود که بنحویکه مذاهب اربعه باهم در اصول اتحاد دارند این مذهب حنیف نیز با مذاهب اربعه در اصول متحد است و اختلاف در فروع خود ماده تقض و نقص نیست چنانچه در ازمنه سابقه اصحاب مذاهب اربعه با فروع متضاده حکم بطلان مذهب یکدیگر نکرده همگی را ناجی و مصاب و در طریقت خود مأجور و مثاب دانسته اند معینا مایه فتنه و آشوب فیدما بین امت محمدیه بدعت شنعاء سب و قدح بود که بیمن همت عالیحضرت ولی النعمی از عرصه ایران زایل و همگی ترک مسلك سابق کرده بحقیقت خلافت خلفای ثلاثه قائل شدند چنانچه بالفعل در تمامی خطب و منابر و مساجد ایران و عموم ممالک محروسه قانی اسامی سامی ان حضرات بطریق روم و هند مذکور میگردد و این نیز سمت وضوح دارد که در عهدی که رجال

امر تقلید ائمه اربعه را اختیار کردند بسبب مزیت ایشان در فضل اجتهاد بود و بعد از آنکه اهل ایران از عقیده سابقه نکول و خلافت خلفای ثلثه را اذعان و قبول کردند چون طریقت امام جعفر صادق رضی الله عنه که ذریه رسول اکرم و ممدوح و مقبول کافه امر است بنا بر تداول و شیوع اولی بقبول بود مقلدان طریقت گشتند، خود انصاف دهد که هر گاه، سلاطین سابقه از روی مصالحت بنا را بر چهار مذهب توانند گذاشت درین ایام که ماده نزاع اشد و اقوی است و اسرای مسلمانان در اسواق و کنایس بیع و شری میشوند با وصف قدرت و شوکت که برای حضرتین میسر است چرا بر پنج قرار نتواند یافت، الحاصل خود قائل باین معنی هستند که تصدیق و قبول مذاهب بکدیگر شرط و قرار نشده ایا درینصورت تکلیف اهالی ایران بکدام یک از مذاهب اربعه میشد که برین جماعت ناگوار نباشد بعد از طریقت جعفری، و چون فروع این طریقه در میان آن جماعت مسلوک و یا مشرب این گروه اساتذ بود تقلید همان طریقت اختیار کردند و هر گاه مذهب جعفری نامتده نشود چه اسم برین خواهد گذاشت . فی الواقع هر گاه حل این مشکل بطریقی دیگر که پسندیده طباع و رافع شبهه و نزاع باشد توانند کرد دوستانه نگاشته و تصریح و اعلان سازند و الا بحسب ظاهر فساد هیچ درین مذهب و در تصدیق صحت آن معلوم نمیشود و بهر حال چون طی این مقال و رفع این قیل و قال بتوسط کک صدق اشتغال میسر نبود لهذا بر نهجی که در سل قبل اعلام و وعده شد انشاء الله تعالی رایات صرت ایات از راه دوستی عازم انحدود گشته امور معهوده بروفتی خیریت بطریق اکمل فیصل خواهد یافت

